

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه توحید (جلسه پنجم)

نختم منقومی استاد اخوت ۹۴/۳/۲۳

برای این که خدا توفیق دهد تا به وظایفمان خوب عمل کنیم، صلوات
برای این که بهترین تصمیمات را در طول عمرمان بگیریم، صلوات
برای این که ان شاءالله اتفاقات خوبی برایمان بیفتد، صلوات

یکی از نکاتی که در سوره کافرون وجود دارد بحث صفت است. انسان در این سوره صفت دار می شود، عابدون و
یا کافرون می شود. دو حالت دارد یعنی یا عابد دین پیامبر و آن چیزی که خدا به پیامبر امر کرده می شود و یا عابد
غیر کسی که پیامبر او را عبادت می کند می شود. در واقع وصف عبودیت اولین وصفی است که به انسان بار می شود.
اولین و پایه ای ترین رخدادهایی که برای انسان اتفاق می افتد، در سوره ناس و فلق است.

بحث صفت از منظر سوره مبارکه توحید

خالق احد است، یعنی مخلوق احد نیست، دارای ترکیب و جزء است.

خالق صمد است، یعنی مخلوق صمد نیست، سیر (حرکت) و صیوریت (حرکت درونی، تکامل) دارد.

خالق لم یلد است، یعنی مخلوق یلد است، تولید و داد و ستد دارد.

خالق لم یولد است، یعنی مخلوق یولد است، محصول تکثیر است یعنی ازدیادشده، است.

خالق لم یکن له کفو احد است، یعنی مخلوق مثل دارد، شبیه دارد، تشابه دارد.

در صفات تشابه مشترک همه موارد بالا است و به همین خاطر می توان گفت که آیه "لیس کمثله شی" خلاصه و احکام سوره توحید است. همین که اثبات کنید خدا تشابه ندارد، بقیه موارد هم ثابت می شود.

بحث تشابه بسیار کاربرد دارد، تماثل و تشابه یکی از مهمترین بحث ها در حوزه صفات است. در لایه صفات در مورد انسان فقط بحث می کنیم. انسان به بهانه شناخت خدا می تواند خودش را بهتر بشناسد. سوره توحید می تواند انسان را به اخلاص در عبودیت برساند.

صفت شناسی

یکی از پایه ای ترین موضوعات در علوم پایه و علوم انسانی بحث صفت شناسی می باشد. صفت ها محصول ترکیب هستند یعنی جزء دارند. هر صفتی که به انسان بار می شود، یک تشخیص و تعریفی پیدا می کند که تعریف آن هم دارای جزء است، محدوده دارد و تعریف محدودیت می کند.

در بحث تکامل هر صفتی یک سیری دارد، چون تکامل همراه با سایر صفات است و جزء دارد و محدوده دارد، سیر دارد و قابلیت تغییر دارد. زیرا سیر و صیوریت، شدت و ضعف دارد.

تعریف صفت: مخلوق یک نفس دارد که یک سری ویژگی ها دارد، این ویژگی ها او را از غیر خودش متمایز می کند. به این ویژگی ها صفت می گویند.

عقل صفات را جدا می کند و به آنها حیثیت می دهد و صفات بدون عقل قدرت کارکرد ندارند. در مورد اسماء هم همین طور است. یکی از کارکردهای عقل این است که هر انتزاعی به واسطه عقل صورت می گیرد. خصوصیت را از شی یا اتفاق و... می گیرد و آن را تفصیل می دهد، که به این وسیله بسیاری از حقایق را می توان کشف کرد و قوانین را استخراج کرد.

یکی از مهمترین قواعد تعلیم و تربیت انتزاع است. انتزاع یعنی یک وصف همراه با نفس را بتوان مجزا بررسی کرد و قواعد آن را استخراج کرد. در واقع باید بتوان مفهوم را بیرون کشید و قواعد استخراج کرد. کار طب این گونه است. انتزاع اگر نباشد هیچ علمی نیست و ما باید به سمت انتزاعات خودشناسی برویم.

به دلیل این که ما صمد نیستیم هر صفتی در ما شدت و ضعف دارد. یعنی یک صفت در حالات مختلف بال و پر می‌گیرد مثلاً، وقتی بخیل بودن کم شود جواد بودن شدت پیدا می‌کند و برعکس. به همین دلیل برای خود شناسی شناخت صفات بسیار مهم است، این که چه صفاتی دارید و چه صفاتی ظاهر و چه صفاتی پنهان است.

تعادل به این معنی است که صفت متناسب با حکمی که خدا دارد پیش می‌رود. در برخی صفات مثل جواد و محسن تعادل در آن ضرب شده است، یعنی کسی نمی‌تواند ازدیاد یا کم داشته باشد زیرا تعادل در درون آن ضرب شده است.

چون صفات ضد دارند از ضد‌های آنها می‌توان استفاده کرد. ضدیت یکی از مباحث مرکب بودن صفات است.

نتیجه دو مورد بالا: انسان توان احصای تمام صفات خود را دارد، روابط بین آنها را می‌تواند بشناسد، اضداد این صفات را می‌تواند تعیین کند و از ضداد این صفات می‌تواند در شدت و یا مدیریت آنها بهره‌بردارد. اگر این کار را نکند یا نمی‌داند که این کار را نمی‌کند یا خود را در مقام خالقیت قرار داده است. یعنی یا خود را مطلق یا در مقام خالقیت قرار داده است.

یک مفهوم کمال داریم و یک مفهوم تمام، تمام یعنی این که اجزاء آن کامل باشد. کمال یعنی به سمت غایت حرکت کردن و غایت داشتن. در مقابل صمد یعنی خدا دارای کمال نیست و صیوریت ندارد و احدیت یعنی خدا دارای تمام نیست.

انسان به ما هو انسان دارای صفات هلوع، قنور(بخیل)، عجول، کنود، کفور، ظلوم و جهول است.

خطاب‌هایی مثل سوره حاقه به رسول الله(ص) به این خاطر است که مردم او را از ساحت مخلوقیت خارج نکنند. به همین خاطر خدا پیامبر را هم از ابتلاء به عجول بودن بر حذر می‌دارد و این نشان می‌دهد که انسان در هر مرحله‌ای که باشد می‌تواند در معرض این صفات باشد.

کاربردی کردن این مضامین:

صفات اولیه را از قرآن باید گرفت و یک سری صفات را از روایات، مانند خطبه همام که کمال یافته صفات قرآنی است. مثلاً عجزول بودن تکامل پیدا کرده و ازدیاد پیدا کرده و تبدیل به صفات حسنه شده است. یعنی نوعاً صفات انسان‌ها بین این دو حق قرار داده شده است. (کتاب صفات شیعه شیخ صدوق)

دسته بندی اصلی صفات به اسماء الحسنی است که صفات مادر هستند. بسترهای مختلف در صفت، باعث ایجاد اسم‌های مختلف برای یک صفت می‌شود. صفاتی که در قرآن آمده است نقطه آغاز برای انسان است و باید از این صفات به سمت کمال برود.

یک موقعی در مورد صفت، یک موقعی در مورد شاکله و یک موقعی در مورد شخصیت صحبت می‌کنیم. و پایه اینها روی ۵ صفت مخلوق در سوره توحید است. شاکله و شخصیت با صفت تعریف می‌شود. چون صفت است شاکله است و چون شاکله هست شخصیت است.

شاکله به محدودیت‌های یک صفت می‌گویند. شاکله نوعاً در کنار مباحث صفت مطرح می‌شود. شخصیت در واقع تشخص شاکله‌ها است یعنی یک نفس با مجموعه صفاتش در ذهن می‌آید.

احدیت یعنی این که هیچ کدام از صفت، شاکله و شخصیت برای خدا نیست.

شاکله‌ها از هفت سال اول دیدنی است.

خدا صمد، احد و لم یلد و.. است یک نوع وصف است، که به آن وصف تنزیهی و تسبیحی می‌گوییم. بنابراین تسبیح پایه معرفت خداست، یعنی هر شناختی از خدا که غیر پایه تسبیح و تنزیه باشد، شرک است. به خدا، به غیر از علم تنزیهی نمی‌توان علم دیگری داشت.

گمان‌هایی که به تثبیت وضعیت دنیایی اشاره دارد، مانند داستان قارون و فرعون، مربوط به مشکل در احدیت است. مشاهده نکردن تغییر وضعیت صفات مشکل در صمدیت است و ریشه این صفات در ما وجود دارد.

اگر صفات انسان به سمت تکامل نرود، صفات منفی او را از پای در خواهد آورد، یعنی اگر انسان صفاتش را کنترل نکند طبیعت غلبه بر صفات انسانی می‌کند. همین مقدار که صفات طبیعی را مهار نمی‌کنند به سمت جهنم می‌روند.

علت این که اغلب افراد جهنمی می‌شوند به خاطر عدم مدیریت (بی تقوایی، طغی) صفات طبیعی آنهاست. در آیه ۲ سوره بقره متقین، متقین فطری هستند یعنی صفات طبیعی را کنترل کردند. زیرا متقین دو دسته اند، متقینی که بعد از صفت ایمان شکوفا می‌شوند و متقینی که بر اساس فطرت متقی شده‌اند.

تعدد صفات فطری کم است تقوا و ایمان. در صفات طبیعی تعدد زیاد است، زیرا اعضا و جوارح دارد و هر کدام در عالم با یک چیزی درگیر است، و اگر براساس فطرت پیش نرود هر کدام از چشم و دست و پا و... برای خود طغیان می‌کنند و اینها روی هم اثر می‌گذارند.

تقوا عبارتست از صفاتی الهی (عقل، روح، فطرت) که موجب مدیریت صحیح سایر صفات می‌شود، مثل ۲۴ ساعت زمان که همه دارند اما لزوما همه برایش برنامه ریزی ندارند.

اگر کسی خواست تقوا را در درون خودش شکوفا کند باید از برنامه ریزی شروع کند، یعنی مدیریت زمان بهترین تمرین برای تقوا است.

در تولید کنش و واکنش، اثر و تاثیر، موثر و متأثر، داد و ستد، دریافت و پرداخت وجود دارد. گاهی ترکیب اجزاء در رسیدن به یک جزء است و گاهی یک چیز انحلال پیدا می‌کند، که اینها مربوط به لم یلد و لم یولد است.

صفات انسان دارای کنش و واکنش، اثر و تاثیر، موثر و متأثر، داد و ستد، دریافت و پرداخت است یعنی می‌توان یک صفت را شکست و از آن یک صفت دیگر استخراج کرد. نوعا هم ما صفات را ترکیبی کار می‌کنیم. مثلا اگر کسی صفت مراقبت را تقویت کند، روی تک تک صفات دیگر هم تاثیر می‌گذارد و این خاصیت یلد و یولد است. برخی از صفاتی که در قرآن آمده است صفات جهت است و صفات جهت بر بقیه صفات اولویت دارند. (کتاب کلمه)

پایه توحید:

۱. وقتی خدا را به احدیت، صمدیت، لم یلد و... می‌شناسید پایه تسبیح را می‌زنید. تسبیح یعنی خدا را از عیب، نقص و حد منزه دانستن.

سوره توحید خدا را از حد منزه می‌داند و وقتی از حد منزه باشد به طور طبیعی از عیب و نقص هم منزه است. در سوره توحید با این که کلمه تسبیح نیامده است معنای تسبیح که تنزیه و تقدیس خداست به طور کامل آمده است.

اگر در یک دعایی عبارت های احد، صمد، لم یلد و.... آمد این دعا، دعای تسبیحی است زیرا معنای تسبیح در آن ذکر شده است ولو این که کلمه تسبیح در آن نیامده باشد.

۲. شروع و افتتاح حمد است (دعای افتتاح)، یعنی ستایش می کند زیبایی و حسن جاری در هستی را، این نیز در سوره توحید هست.

حمد یعنی هر کمالی از آن خداست، همان خدایی که احد است، صمد است، لم یلد و.... است.

در معنای حمد معنای تسبیح به صورت ضمنی وجود دارد زیرا می گویند هر کمالی مخصوص خداست، در واقع انحصار می دهید.

۳. لا اله الا هو (الله) تهلیل . الوهیت و عبودیت.

۴. تکبیر، تکبیر اغرار و شهادت به توحید است یعنی وقتی الله اکبر می گویند درون آن شهادت هم است، یعنی وصف خدا توصیف پذیر نیست. (اکبر است)

دعا از امیرالمومنین (ع) از کتاب مهج الدعوات صفحه ۱۱۴

در حوزه دعاهای توحیدی این دعا خیلی شبیه سوره توحید است.

تک تک فرازهای دعا معرفت علمی دارد. کلاس درسی در غالب دعاست.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات